

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دگرمن احمد کندهاری

۲۹ دسمبر ۲۰۱۶

ششم جدی سال ۱۳۵۸ یا ننگ حزب " خلق-پرچم "

هرچند گفتمان های نوشتاری زیاد در مورد این روز شوم و مصیبتی در صفحه تاریخ ثبت گردیده ، ولی با آن هم نباید خاطرات تاریخی این روز مشخص را به فراموشی سپرد بر ما است تا مکرراً برای آگاهی نسل های بعدی در اذهان زنده نگاه داریم .

دوران حاکمیت "دوره نوین و تکاملی" حزب " دیموکراتیک خلق - پرچم " که با یورش ارتش متجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی وقت آغاز گردید در حقیقت امر نقطه عطف آن کودتای خونین هفت ثور سال ۱۳۵۷ بوده، قبل از این کودتای شوم و در زمان طراحی آن ، تجاوز و اشغال این کشور در نظر گرفته شده بود که بر همین اساس بین حکومت کودتا و حکومت اتحادشوروی پیمان دفاعی در دسمبر ۱۹۷۸ و یا قوس ۱۳۵۷ به امضاء رسید . این پیمان کاملاً یک جانبه بود و صرف یک پیمان جاده صاف کن برای سوقیات نظامی ارتش سرخ به استقامت جنوب طراحی شده بود که اشغال افغانستان به رؤیت همین پیمان استدلال می شد .

گروگان گیری سفیر امریکا (ادولف دابس) در سال ۱۳۵۷ هم طرح کا جی بی بود که تحت پوشش گروه روانشاد "مولانا باعث" به راه انداخته شد چون عملیات گروگان گیری به بسیار سهولت انجام پذیرفت ، معلوم می شد که حکومت خلقی دخیل می باشد و حادثه به مرگ سفیر امریکا و گروگان گیر ها خاتمه پیدا نمود ؛ که خود سبب متشنج شدن اوضاع بین امریکا و شوروی وقت شد و از طرف دیگر خلقی ها به همین بهانه تعداد زیادی از جوانان شمال را به اعدامگاه های مرگ شان قربانی نمودند و گفته می شد که "ظاهر بدخشی" هم بعد از همین حادثه راهی پولیگون گردید و به جاودانگی پیوست . این همه کار های مقدماتی بود که راه را برای اشغال افغانستان هموار می ساخت .

از شروع به قدرت رسیدن و به سلطه درآوردن قدرت سیاسی به رهنمود و رهبری (ک ج ب) کادر های مزدور بر سر قدرت حاکمیت کودتا به تصفیه و خلع سلاح نمودن پرسونل صفوف اردو دست یازیدند . بدین ملحوظ اکثریت افسران متعهد و وطن دوست راهی زندان مخوف پلچرخ و اعدامگاه ها شدند. این عمل جنایتکارانه، بیخردانه و غیر علمی حزب دیموکراتیک به غرض سرکوب و شکستن روحیه افسران آزادیخوا و تضعیف روحیه مقاومت و ایستادگی افسران به طور اعم طراحی می شد .

فرار سربازان صفوف اردو بعد از گذشت چند ماهی رو به افزایش بود ، حزب با شعار ساختار اردوی انقلابی و مردمی برای جایگزینی اکمال کمبودات افسران برطرف شده، خواست با احداث مراکز تعلیمی کوتاه مدت (چهار ماهه)

افسری احداث و جبران نماید. جوانانی که بی خبر از همه زوایای سیاسی کشور تازه به حزب جذب شد بودند با دادن امتیاز مادی ماهوار پنج هزار افغانی معاش و رتبه افسری و دیگر امتیازات مادی بعد از فراغت از این کورسها در قطعات اردو شامل خدمت گردیدند.

و هم یک عده از افسران تشنه قدرت و امتیاز از داخل اردو در حزب منسجم شدند، که اعضای حزب به رهنمائی مشاوران (ک ج ب) از ضعف شخصیت و درماندگی اجتماعی آنها استفاده اعظمی نمودند، و همین طیف افسران مخربترین و خطرناکترین اشخاص از آب برآمدند، به ویژه که در شکنجه گاههای اکسا، کام و خاد در شکنجه نمودن همسلکان شان از هیچ گونه بی شرافتی و دون صفتی دریغ نمی ورزیدند.

بعد از خیزش و قیامهای خودجوش مردمی به مقابل حکومت خونتای کودتا در اکثر نقاط کشور عزیز حکومت حزبی عده ای از قطعات اردو را از بدنه اردو جدا و به غرض تحکیم سلطه حزبی خارج از گارنیزون های نظامی اعزام و استخدام نمودند. که این هم در آینده نچندان دور زمانی به متلاشی شدن و شکست اردو ممد قرار گرفت.

اکمالات لوژستیکی به نسبت گسترش دامنه جنگ و مسدود شدن شاهراه ها از منابع داخلی رو به کاهش گرائید، که اردو را از این ناحیه هم متکی به اردوی شوروی نمود؛ اکمالات قطعات افزای شده از مراکز عمده اکمالاتی نظامی با گذشت هر روز مشکلتر می گردید که این هم یکی از فکت های شکست اردو شد.

جناح های " حزب خلق - پرچم " وابسته به امین و ترکی آمدن قوای اشغالگر شوروی را نمی پذیرند و به دوش یک دیگر برچسب می زنند و حتی در این اواخر جناح ببرک شیباد و ببرکی ها ننگ اشغال کشور را انکار می نمایند. همه مطمئن باشند که تاریخ گواهی می دهد و آنها در صفحه تاریخ محکوم ابدی هستند.

بهتر است به رؤیت اسناد افشاء شده از زبان و قلم مشاوران روسی و سرداران جنگی شان نقلی قولی به آدرس رهبران " ح د خ پ " پیشکش آنها نمائیم:

در دوره سه ماهه حاکمیت امین نظر به درخواست های مکرر آنها که ضعف و سقوط حتمی خویش را احساس می کردند، آمدن قطعات نظامی روسی از ۲۶ عقرب ۱۳۵۸ آغاز گردید، قطعات کوچک زرهی به حمایت مراکز دولتی و میدانهای شیندند و بگرام، قطعه هوایی تحت پوشش کار شناس و مشاوریت در میدان بگرام تحت قومنده جگرن الماکین البته صورت گرفت، این سوقیات به طور مخفی بود، و اشاره می نمایند که دو شخصیت مرکزی حزب کمونیست شوروی الکسی کاسگین و اندره گرومیکو مخالف مداخله نظامی در افغانستان بودند که در زمینه اسناد قوی وجود ندارد.

توأم با پیاده شدن عساکر قطعات مخفی سوسیال امپریالیزم و بعداز تهاجم علنی تجاوزگرانه و اشغال بالفعل افغانستان توسط ارتش سرخ روسی، معضله کمبود پرسونل، قدرت رزمی و نظامی اردو رو به کاهش گرائید؛ به ویژه در زمان اوج جنگ های داخلی در بین اردو و مقاومت مردمی مورال افسران و سربازان گراف نزولی داشت، و همه در یک حالت سردرگمی و در دو راهی قرار گرفتند که یک طرف قضیه مردم و در طرف مقابل اردو در کنار ارتش اشغالگر، و ثالثاً از دست دادن امتیازات مادی و بی سرنوشتی زندگی آینده؛ فکت و نقش مهمی را در انحطاط و زوال اردوی منسجم افغانستان بازی نمود.

اگرچه در مدت زمانی از هفت ثور ۱۳۵۷ الی شش جدی سال ۱۳۵۸ قیام های افسران نظامی اکثراً پلان شده جهت خاتمه دادن به سلطه خونتای " ح. د. خ. پ. " دلیرانه صورت گرفت ولی به ناکامی گرائید و دستاوردی مشخص نداشت.

سوق الجیش نظامی قوای هوایی و زمینی ارتش سوسیال امپریالیزم شوروی برای اشغال افغانستان از سه جدی سال ۱۳۵۸ آغاز گردید که به عملیات های محاروبی تعرضی برق آسا به محاصره تپه تاج بیگ و ترور شاکرگد وفا دار و ورزیده سازمان (ک ج ب) به سلطه سه ماهه امین خاتمه داده شد و با مرحله "نوین و تکاملی" کودتای هفت ثور تحت رهبری ببرک شیاد بر خلق زحمتکش ما پرده سیاه استعمار روس هموار گردید که تا اکنون ادامه دارد .

روس ها از تشکیلات و روحیه اکثریت افسران اردو مطالعه و برداشت عمیق داشتند که در صورت اشغال هیچ مقاومتی از جانب اردو نخواهد شد و " ح د خ پ " در رهبری و قومندانی قطعاً مسلط هستند ، ولی مردم افغانستان را نادیده گرفته بودند .

فرمان اشغال افغانستان توسط بریژنیف رهبر سوسیال امپریالیست های شوروی وقت در تبانی با " ح . د . خ . پ . " و کادر های فروخته شده آن در رأس ببرک شیاد صادر و در عمل پیاده گردید ؛ که بعد از نه سال کشتار ، خونریزی و تباهی تمام ساختار های اقتصادی و زراعتی ، به فرمان گوربچف با توافق امریکا و کشور های غربی یک جانبه خاتمه یافت .

اشغال افغانستان که با هجوم تعرضی ، قوای سوسیال امپریالیزم شوروی به قوت یک اردوی صد هزار نفری متشکل از قوت های هوایی و زمینی - زرهی در مرحله اول دیسانت شده ، بر بنای دکترین ستراتیژیک دیرینه روسیه تزاری یعنی رسیدن به آب های گرم بحر هند از طریق افغانستان و کشاندن دامنه جنگ به استقامت جنوب در سال ۱۳۵۸ آغاز و این جنگ تحمیلی و خانمان برانداز برای مدت نه سال دوام داشت ؛ که به تاریخ ۲۶ دلو ۱۳۶۷ ارتش متجاوز شوروی بدون کدام دستاوردی مجبور به خروج گردید .

اقتدارسلطه پوشالی " ح د خ پ " بعد از شکست ننگین و خروج نیروهای ارتش متجاوز شوروی با امکانات کم مادی و محاروبی که برای شان از قوای متجاوز به ارث رسیده بود الی ۸ ثور سال ۱۳۹۱ با ختم نفس های لحظات آخر حیات جا برای حکومت تنظیمی و پاتک سالاری خالی نمود ؛ که در نتیجه برای مردم کشور عزیز ما مصیبت بارتر و بس گشنده تر تمام شده تحت لوای امارت اسلامی اما مزدور و وابسته به غرب ، پاکستان و ایران ، شهر زیبای کابل به مخروبه تبدیل و ۷۰ هزار کابلی را به قربانی گرفت .

بعد از سقوط سلطه خونبار پاتک سالاری شورای نظار و فرار بزدلانه مسعود از کابل مخروبه ، توسط طالبان پرورده سیا، مصیبت جهل سلطه امارت امیرالمؤمنین به یاری پاکستان و شیخ نشین های عرب زندگی مردم این سرزمین را خفه می کرد و چه نبود که مردم ما متحمل نشدند .

اشغال افغانستان توسط سوسیال امپریالیزم تحت قوماندان مارشال سرگی سوکوف ، از جانب ملل متحد با صدور قطعنامه با رأی ۱۰۴ کشور ملل جهان محکوم گردید و خواستار خروج بلا قید و شرط قوای متجاوز از افغانستان شدند .

دولت بر سراقندار شوروی که توان مالی و رزمی اش به ضعف گرائیده و در سطح جهانی از موضع تعرضی به موضع دفاعی مجبور شده بود ، برای اولین بار این شکست ننگین را پذیرفت . ولی خسارات عمده جنگ را مردم افغانستان متحمل شدند که آتش برافروخته شده جنگ توسط سوسیال امپریالیزم شوروی وقت در سرزمین کثیرالاقوام ما با خروج قوای شوروی نه تنها فروکش نکرد بل به اشکال متنوع دیگر ادامه پیدا کرد ، تا بالاخره میدان تعرض و مسابقه تسلیحاتی چهل کشور ناتوئی در رأس امریکا شده باز هم افغانستان به یک کشور مستعمره باقی ماند که این هم از پیامد های این دوپدیده خونین هفت ثور و شش جدی که پیوند مادر زادی دارند نه تنها بعد داخلی داشت بل در سطح منطقه و جهان اثراتی از خود به جای گذاشت .

- از همه مهمتر به طور کلی انهدام و متلاشی شدن اردوی منسجم و مسلح با تسلیحات پیشرفته افغانستان .

- مردم زحمتکش افغانستان از اثر عملیات های مخرب جنگی یک میلیون قربانی و نزدیک به شش میلیون مهاجر و آواره در اکثر نقاط جهان و قسمت اعظم آن در مرز های کشور های همسایه پاکستان و ایران از خود به جای گذاشت ؛ که در آزمون بزرگترین کتله مهاجر بعد از جنگ دوم جهانی از جانب ملل متحد شناخته شد .

- نظر به گزارشات ، (فیلیکس ارامکو) گزارشگر ملل متحد به اثر درگیری های سنگین محاروبی در سال ۱۳۶۴ / نفر ۳۵،۰۰۰ و در سال ۱۳۶۵ / ۱۵،۰۰۰ نفر و در سال ۱۳۶۶ / ۱۴،۰۰۰ نفر که از جمله به اثر حملات راکتی تنظیم های جهادی بر مناطق مسکونی ۴۰۰۰ غیر نظامی قربانی جنگ هستند .

به اساس گزارش فوق ۱،۲ میلیون معیوب اعم از نیروهای مقاومت و دولتی در مجموع ۳ میلیون مجروح و معلول از مردم غیر نظامی .

- تخریب کامل سیستم آبیاری و ۲٪ جنگلات .

- در قدم اول خالی شدن دهات از سکنه و به ادامه آن شهر ها ؛ و رو آوردن این بیجا شدگان به مهاجرت ها و آوارگی در مرحله نخست به کشور های همسایه و بعداً در صورت داشتن امکانات مالی به طرف غرب . از جمله طبق گزارش ملل متحد شهر بزرگ و باستانی قندهار که قبل از شروع جنگ ۲۰۰ هزار نفوس داشت ، در مدت کوتاهی به اثر بمباردمان های دوامدار قوای متجاوز روسی و عملیات های نظامی به بهانه پاک سازی به ۲۵ هزار تقلیل نمود .

- تا سال ۱۳۶۶ در کشتزار های ماین فرش شده در مسیر راه های اکمالاتی نیرو های مقاومت و به اطراف مراکز دولتی به شمول قطعات و پوسته های نظامی ، عامل مرگ ۲۵ هزار تن گردید . که تعداد ماین های فرش شده به ۱۰ الی ۱۵ میلیون رسید .

کمیته بین المللی صلیب سرخ در سال ۱۳۹۴ گزارش نمود برای پاک سازی ماین های به جای مانده ۴/۳۰۰ سال تخمین گردیده ، که اثرات ان همه روزه بروز می کند و قربانی زیادتر کودکان می باشد .

- ارتش شوروی به علاوه ضایعات سنگین سلاح و وسایط محاروبی ، ۱۴/۴۵۳ نفر تلفات قوای بشری دارد .

- اتحاد جماهیر شوروی وقت که تا پیش از اشغال افغانستان سیاست تعرضی جهانی داشت ؛ در موضع دفاعی قرار گرفت که منجر به شکست و متلاشی شدن امپراتوری سوسیال امپریالیزم شوروی گردید ، که بزرگترین ضربه بر مکتب و پیروان سوسیالیزم و کمونیسم وارد نمود و افغانستان قربانگاه ترور این ایدئولوژی مترقی شد .

- سازمان القاعده در پروسه جنگ ملی و آزادیبخش مردم افغانستان رشد نمود و به اثر شکست سوسیال امپریالیزم به یاری سازمان (سیا) جهت سرکوب جنبش های آزادیبخش و مترقی جهان ، جهانی شد .

- بعد از شکست اتحاد شوروی و یک قطبی شدن جهان به نفع امریکا در دهه ۸۰ و ۹۰ نیرو های تربیت شده القاعده در ممالک شرق میانه و آسیای مرکزی متلاشی و زمینه ساز مداخلات نظامی امریکا و کشور های غربی شد .

- اشغال کشور عراق و لیبیا بعد از اشغال افغانستان توسط قوای ناتو باز هم پیوند ریشه ئی به تجاوز سریع سوسیال امپریالیزم شوروی (۶جادی سال ۱۳۵۸) دارد .

- جنگ مقاومت مردم افغانستان که از یک مرحله خیزش خود جوش مردمی سرآیند داشت ؛ امریکا و شرکاء این جنبش ملی و آزادیبخش را صیغه دینی و مذهبی داد ، و با سرکوب نیرو های ملی و آزادیبخش مردم افغانستان ؛ سازمانهای دست تریبه شده اش را با دادن امکانات مادی و تسلیحاتی در رأس هرم قدرت این جنبش ملی قرار داد که این ستراتیژی دول غرب ، حامی تنظیم های جهادی از پیامد های خونین ۶ جادی سال ۱۳۵۸ بشمار می رود .

دگرمن احمد کندهاری. - ۶ جادی ۱۳۹۴ مطابق به ۲۶ دسمبر ۲۰۱۶